

فدرالیسم شعاری ارتجاعی است. نوشته ای از منصور حکمت است که برای اولین بار در خرداد ۱۳۷۵ برابر با ژوئن ۱۹۹۶ در شماره ۲۱ نشریه انترناسیونال آن دوره چاپ شد. این نوشته در جلد هشتم مجموعه آثار منصور حکمت نیز قابل دسترسی است. تحلیل تیزبینانه و مسولانه و رهگشا، یکی از ویژگیهای منصور حکمت است که مراجعه مجدد و مجدد را به او ضروری میسازد.

مردم ایران کماکان در مقابل انتخابهای سیاسی قرار دارند، فدرالیسم پرچم جنگهای داخلی و تفرقه مردم بر مبنای قوم پرستی است، این نسخه اکنون از طرف بخشی از راست محافظه کار مطرح است، با این نسخه قصد دارند که دور دیگر تباهی و جنگ و عقب گرد به جامعه تحمیل کنند. منصور حکمت با درایت خاص خود به شناساندن این پدیده ضد انسانی میپردازد، ما خواندن جدی و مجدد این نوشته را به خوانندگان اکتبر توصیه میکنیم.

۲۹ مارس ۲۰۰۵ نشریه اکتبر



## مصاحبه با منصور حکمت درباره شعار فدرالیسم:

انترناسیونال: در بیانیه آمده است که طرح شعار فدرالیسم توسط برخی احزاب ابتدا انعکاسی از وجود چنین مطالبه ای در میان مردم

نیست. در این صورت انتشار این بیانیه چه لزومی داشت؟

منصور حکمت: نه فقط شعار فدرالیسم جایی در ذهنیت و زندگی مردم ندارد، بلکه هویت قومی و قومپرستی بطور کلی هم در بین میلیونها مردم ساکن ایران محلی از اعراب ندارد. اما این متأسفانه برای

## فدرالیسم شعاری ارتجاعی است

اسلامی حکم میرانند. یوگسلاوی، یک جامعه مدرن صنعتی و با هر استاندارد امروزی جامعه ای متمدن بود. یوگسلاوها از این صحبت میکنند که چگونه قبل از این ماجراها قومیت و ملیتشان یادشان نبود. تصور چنین اوضاعی برایشان ممکن نبود. که هنوز هم باورشان نمیشود و

تر مشروعه چپان را به روزی انداختند که میدانیم. آخوند یک قشر انگلیسی آبرو و اسباب مضحکه مردم در شهر و ده بود. دختران دو نسل قبل از ما بی حجاب مدرسه میرفتند. موسیقی و سینما جزء لایتجزای زندگی مردم بود. با اینحال، امروز در آن جامعه جنون الهی و جهالت دینی و جانوران

مصون داشتن مردم از فجایع و تراژدی هایی که قوم پرستی و قوم پرستان میتوانند بیآورند کافی نیست. به دنیای اطراف خود نگاه کنید و رویدادهای این دو سه دهه اخیر را مرور کنید. حکومت شرع و دولت آخوندی چه زمینه ای در ایران قرن بیستم داشت؟ ظاهراً هیچ. این مردمی بودند که هشتاد سال پیش

## ارتجاع، ارتجاع میزاید! قومپرستی از مجرای "انتخابات"



### عبدالله شریفی

هر چند هنوز لیست نهایی کاندیداها مضحکه انتخابات

ریاست جمهوری اسلامی، زیر تیغ رد یا قبول شورای نگهبان جمهوری اسلامی و "آقا" و دیگر باندهای درونی، رد نشده است، از هم اکنون به اندازه کافی فضای جنجال و توسرهم زندهای سران رژیم اسلامی، بازار را گرم کرده است.

رژیم اسلامی ایران هر مدت یکبار ناچار است با نمایش مسخره انتخابات به نوعی پای مردم را میان بکشد، انتخابات مجلس،

میزند" اخیراً کربوی در جلسه "خانه اقوام" با جمع کردن ارتجاعیترین عناصر در گوشه و کنار جامعه ایران، از اهمیت تقسیم کرسیها و نقش سهم انتخاباتی "اقوام" و نقش "دستجات قومی" در آرایش بعدی جمهوری اسلامی سخن گفت، تا توانستند از نفاق و کینه و تفرقه گفتند، "اعتراض" ال احوازینها که از کج کردن مسیر آب کارون به مناطق "عجم" نشین را به بحث گذاشتند، و... امروز میبینید که عبدالله رمضانزاده تنها سخنگوی دولت نیست، ایشان سمت سخنگوی "قوم کرد" را نیز پیدا کرده اند. نمایندگان مجلس اسلامی و عناصر و

است که بر سر "ناجی" نظام در جریان است. شاید خود دعوا تماشایی باشد اما در متن این دعوا ما شاهد تولید نوعی دیگر از فاشیسم هستیم. نوعی قوم پرستی، زنده کردن و علم کردن این ابزار، سر بر آوردن قارچ مانند جریانات قوم پرست که خود محصول ارتجاع اسلامی حاکم میباشند، که رسماً توسط سران رژیم اسلامی نیز باد زده میشود.

تشکیل "خانه اقوام" در ایران، رسمیت بخشیدن به عوامل و مهرهای سوخته اسلامی، و آپدیت کردنشان در قالب اقوام، دارد از مجرای بازی کثیف انتخابات بیرون

انتخابات "شوراهای شهر و ده" و بمیدان آمدن مردم، هنوز در اذهان دو طرف جبهه مردم و رژیم زنده است. بعد از مرخص کردن قهرمانان "اسلام مدرن"، دوم خردادیها، شاید این اولین بار است که رژیم مجبور است ضعفهای خود را با دست خود در خیابانها رو کند. هیاهو و جنجال تکنونی خبر از وضعیت درهم ریخته جایان اسلامی میدهد.

معین، کربوی، رضایی، لاریجانی، هاشمی رفسنجانی و سرانجام گاورندی بر سر کدام یک به نتیجه خواهد رسید، بحث دیگری است. آنچه که امروز بیش از هر چیز توجه را به خود معطوف میکند، دعوایی

### در صفحات دیگر

اعتراض دانشجویان در بصره علیه توحش اسلاميون  
حمایت دانشجویان در بغداد از مبارزه دانشجویان در اربیل و سلیمانیه  
اعلام حمایت سازمان رهایی زن از کنگره آزادی عراق  
تسلیت به خانواده صالح کمانگر

کمونیست، روزهای جمعه منتشر  
میشود

کمونیست را بخوانید و تکثیر کنید!

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



نمیدانند چه شد که چنین شد. اینکه قومیت و قوم پرستی در جامعه ایران ریشه و زمینه قوی ندارد و اینکه خواست فدرالیسم جایی میان مردم ندارد، به این معناست که روندها و جریانها و جنبشهای اصلی در جامعه به این سمت سیر نمیکنند. اما سوال اینست که چقدر جامعه در برابر تحركات قوم پرستانه مصونیت دارد و چقدر از پیش در مقابل هجوم آتی این واپسگرایی و ارتجاع قومی آمادگی دفاع از خودش را دارد. بقول نادر بکتاش ناسیونالیسم و قوم پرستی مانند ویروسهایی هستند که در حالت خفته به حیات خودشان ادامه میدهند و تحت شرایط خاصی فعال میشوند و حتی گاه اپیدمی ایجاد میکنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه امروز ایران يك بیماری سیاسی - فرهنگی رایج نیست. اما نه ریشه کن شده و نه جامعه در برابر آن واکنش پیدا کرده است. وجود همین فدرالیست ها و جماعات عقب

مانده ای که از هم اکنون در اوج وقاحت و سفاقت صدور شناسنامه های قومی برای مردم در ایران را شروع کرده اند، گواه این است که این ویروس ریشه کن نشده است و میتواند، بخصوص در يك شرایط متحول و متلاطم سیاسی، مصائب زیادی بار بیاورد. صدور این بیانیه برای ایجاد آمادگی و مصونیت در جامعه است. صدور این بیانیه همچنین اعلام بی شبهه این واقعیت به ناسیونالیستها و قوم پرستان و ملیون و روشنفکران ناقص العقل پیرامونی شان است که کمونیسم کارگری قاطعانه جلوی این واپسگرایی میایستد و این جماعات و این تمایلات ضد انسانی و ضد کارگری را میان مردم رسوا میکند. نمیشود مردم را بیست سال با مذهب اسیر کنند و بگویند و بعد بیست سال دیگر هم با قومیت و ملیت. ما اجازه نمیدهیم. **انترناسیونال:** بیانیه ظهور شعار فدرالیسم را مستقیماً به مساله کرد ربط داده است. در این مورد توضیح

بیشتری لازم است. **منصور حکمت:** همانطور که گفتیم اسم گذاری ملی و قومی مردم، تا چه رسد به کشمکشهای ملی و قومی میان بخشهای مختلف جامعه يك پدیده دیر پا، رایج و همه گیر در کشور نیست. واضح است که در فولکلور عقب مانده اقوام (هر قومی)، خودپسندی قومی و شوونیسم و بیگانه ترسی و غیره هست. در همه کشورها، حتی در یکپارچه ترین "ملل" هم این هست، و ظاهراً تا وقتی سرمایه و سرمایه داری هست این نوع شکاف انداختن میان مردم هم باقی خواهد بود. ایران هم استثناء نیست. اما، هر ناظری که ریگی به کفش و دستور کار پنهانی دیگری نداشته باشد، اذعان میکند که جامعه ایران جامعه ای نیست که چنان در چنگال کشمکش و عدم تحمل قومی و ملی عاجز شده باشد که حکیمی بخواهد با نودشاروی فدرالیسم سراغش بیاید. وقتی دقت میکنید میبینید پیدا

شدن سر و کله این مقوله در دور اخیر مستقیماً به مساله کرد و معاملات و مذاکرات حزب دموکرات با اپوزیسیون ملی مربوط میشود که به زعم دموکراتها فردا قرار است دولت مرکزی را در ایران بدست بگیرند. تمام مساله حزب دموکرات اینست که برچسب تجزیه طلب نخورد، بخصوص چون توحش ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی و جنایاتی که حاضرند تحت لوای دفاع از "تمامیت ارضی" بکنند را میشناسد. خود حزب دموکرات لاجرم در صف مقدم "ایرانیت" و دفاع از "تمامیت ارضی" قرار گرفته است. وقتی غفت داداش پور در نشریه نيمروز از دبیرکل حزب دموکرات، آقای ملا عبدالله حسن زاده، نظرش را درباره موضع حزب کمونیست کارگری میپرسد (برسمیت شناسی حق جدایی کردستان، مراجعه به آراء خود مردم کردستان در يك فراندوم بر سر جدایی یا باقی ماندن بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در چهارچوب ایران)، جناب حسن زاده

برآشفته میشود که: "خبر ما تجزیه طلب نیستیم" و برای اطمینان خاطر دولت مرکزی بعدی مرزبندی آتشی با ما بعمل میآورد. حزب دموکرات خودمختاری میخواهد و به این نتیجه رسیده است که با تعمیم دادن خواست خود به کل کشور، با بدست دادن فرمولی که در آن ناسیونالیسم کرد در برابر يك دولت ناسیونالیست مرکزی تك نباشد، بهتر به این نتیجه میرسد. فرمول فدرالیسم کمک میکند حزب دموکرات خودمختاری بخواهد بدون اینکه کردستان موردی استثنایی تلقی شود. فدرالیسم یعنی "به همه ملل متشکله ایران" خودمختاری بدهید، از جمله به ملت کرد به رهبری حزب دموکرات. حال اگر بقیه مردم در ایران، و از جمله بخش وسیعی در خود کردستان لزوماً خود را با برچسب های قومی فارس و لر و گیلک و افغانی و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن تعریف نمیکنند، چه در آنسوی این بده بستان ارتجاعی، جریانات ناسیونالیست ←

## ارتجاع، ارتجاع میزاید

امم جماعت و آخوند و مکلرا را بسیج کرده اند تا در نقش "قوم عرب و آذری و کرد و بلوچ" و غیره میداننداری کنند تا دیروز قهرمانان دو خرداد، "ولتر اسلامیهایی" از جنگ بر گشته و قاتلان مردم کردستان، فرماندهان و طراحان کشتار مردم، در قالب جامعه شناس و نویسنده ظاهر میشدند و امروز همینها در نقش سخنگویان "اقوام" ظهور کرده اند. سر بر آوردن جریانات ارتجاعی و قوم پرست، مانند حزب بلوچ، جبهه فدرال آذربایجان، حزب دموکراتیک احواز، سازمان دفاع از حق خلق ترکمن، جبهه دموکراتیک خلق عرب، حرکت ملی ترکمن، حرکت ملی آذربایجان، "اصلاح طلبان دگر اندیش کرد"، و... تصادفی نیست که با آب و تاب وارد ادبیات و سیاست

این دوره شده اند. این همزادان نسبیت فرهنگی در اروپا و آمریکا، هر روز بدور از چشم مردم، سمینار و کنفرانس میگیرند و از طرف نمایندگان درجه چندم این و آن مجلس دموکراسی، تحت نام دفاع از حقوق مردم حمایت میشوند. سوال این است که چه عواملی امکان بازی دادن این ارتجاع را مهیا کرده است؟ چه دلایلی صف معشوف فاشیسم قومی را به میدان آورده است؟ مردم چگونه باید با رها شدن از فاشیسم اسلامی بتوانند از شر فاشیسم قومی نیز خلاص شوند؟ مردم، حکومت اسلامی را نمیخواهند، این بدیهی و واضح است. مردم برای جامعه ای مرفه و آزاد در مقابل رژیم اسلامی به میدان آمده اند. این را خامنه ای و بوش و هر ناظر خارجی دیگری نیز میدانند. انداختن و جارو کردن رژیم اسلامی توسط مردم را بسادگی در ایستگاه

دلخواهی قوم و قبیله نمیشود متوقف کرد. بزیر کشیدن رژیم اسلامی توسط مردم را با وعده استعمار و حفقان در "مرز پرگره" هم نمیشود آرام کرد. مردمی که جانیان اسلامی حاکم را نخواهند، واضح است به حضور مساجد و نهادهای مذهبی و زنگ کردن اطلاعات و ساواما رضایت نخواهند داد. این را راست محافظه کار اپوزیسیون شده ایران خوب میدانند. این را طراحان دو خرداد برانداز طلب شده هم تشخیص میدهند. این را میشود از خطبه نماز جمعه تا نشریات حزب توده و امثالهم شنید و خواند. جبر زمانه همه را به نامطلوب بودن اسلام در حاکمیت واقف کرده است. آمریکا در یک قدمی است، عراق سناریوی سیاه و جریانات مذهبی و قومی در همسایگی است، وحشت از مردم به پا خواسته وحشت از زیرو روشن بنیادهای حاکمیت این دارو

دسته ها، نقشه میخواهد، ابزار میخواهد، برای عراقیزه کردن ایران، باید دموکراسی قوم و قبیله را علم کرد، باید فاشیسم جدیدی به میدان فرا خواند تا مردم را متفرق و سرکوب کرد. بخشی از حاکمیت رژیم اسلامی دارند پیش قدم میشوند تا بلکه گوشه و زوایای اسلامشان را حفظ کنند. "خانه اقوام" قرار است جای مساجد، و دستجات مسلح، جای گروههای مرگ انصارالله و کله حزب الله برای کشتار مردم را بگیرند. مردم را باید به جان هم انداخت تا بشود تهران را به ده منطقه قومی و مذهبی تقسیم کرد تا آنرا ویران ساخت. مردم باید با هوشیاری این تند پیچ را پشت سر گذارند. میخواهند با علم کردن قوم و قبیله و نفاق و تفرقه بین مردم، رژیم اسلامی را از زیر ضرب اعتراضات مردم نجات

۲۶ مارس ۲۰۰۵

### برنامه پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت 7.30 تا 8.30 شب به وقت تهران ( 5 تا 6 بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و 8 تا 9 صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت 7.30 تا 8.30 صبح تهران مجدداً پخش میشود. برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است.



تلویزیون  
پرتو

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

## فدرالیسم شعاری ارتجاعی است

ایرانی قرار دارند که خود را با مساله کرد رویو میبینند و این را یکی از گره گاههای اصلی تثبیت حکومت آتی شان تلقی میکنند. اینها در شعار فدرالیسم دربرچه ای برای لاپوشانی مساله کرد، اجتناب از مراجعه به آراء خود مردم و بند و بست با حزب دموکرات میبینند. منشاء بحث فدرالیسم محاسبات فرصت طلبانه و پا درهوی چند حزب سیاسی درباره مساله کرد است، این بخودی خود نه چندان نگران کننده است و نه پاسخگویی به آن از مجرای تبلیغات روزمره کمونیستی و ضد ناسیونالیستی دشوار است. اما در کنار طرفین اصلی این بحث، که هر کدام منافع مادی شان را دنبال میکنند، مطابق معمول يك صف کامل از کسانی را پیدا میکنیم که میبندارند بنا به شغل شریف روشنفکری و مطبوعاتی، یا بنا به نیازهای گروه داری خود، باید حتما بدون تعمق و بنا به مدر روز چیزی بگویند و خود شیرینی کنند، و اینها به شهادت سرنوشت تلخ مردم یوگسلاوی و شوروی، خطرناک ترین عناصر در چنین شرایطی هستند. واقعا باور نکردنی است که کسی از پنجره خانه اش بازی بچه اش و بچه های همسایه را نگاه کند، سپس آهی بکشد و قلمش را دست بگیرد و جاهلانه مردم يك کشور ۶۰ میلیونی را به ۹ ملیت و ۱۳ قومیت و ۵ گروه زبانی و قس علیهذا تقسیم کند و نسخه پیچد که اینها باید شهرها و محلات را مطابق جدول ایشان بین خود تقسیم

کنند و رویروی هم بایستند. اگر اینگونه افکار سفیهانه نتایجی اینچنین خونبار در پی نداشت، شاید حتی مایه خنده مستمعین میشد. اما اینها دانسته و ندانسته جاده صاف کن پاکسازی های قومی و اعدامهای جمعی فردا هستند. اینها دارند علیه زندگی و جان آن بچه های بیرون پنجره توطئه میکنند و حساسیت مساله اینجاست. این دنیای ۳۰ سال قبل نیست. انقلاب الکترونیک و انفورماتیک و پیدایش رسانه های سمعی و بصری جهانی، ژورنالیسم نوکر و مهندسی افکار را به يك فاکتور تعیین کننده در معادلات قدرت و سیر اوضاع سیاسی در کشورهای مختلف تبدیل کرده است. حتی ابلهانه ترین و دور از ذهن ترین تمایلات سیاسی و نسخه های اجتماعی، اگر در چهارچوب وسیع تر طبقاتی و جهانی بدر بخشهایی از طبقه حاکمه بخورد به موقع پر و بال داده میشود و به آذهان مردم تحمیل میشود. مساله از محاسبات خرد حزب دموکرات و تتمه احزاب ملی و جمهوریخواه و آریامهری بسیار فراتر است. اینها بازچه اند. ما باید کل بازی را غیر ممکن کنیم. این را هم بگویم که تا آنجا که به مساله کرد مربوط میشود این خود مردم کردستانند که باید در يك رفراوند آزاد درباره جدایی و یا باقی ماندن بعنوان شهروندان با حقوق برابر در چهارچوب ایران تصمیم بگیرند. فقط این تصمیم، هرچه که باشد، اصلیت و مشروعیت دارد. مساله کرد بر سر سهم گرفتن حزب

دموکرات و سایر احزاب خودمختاری طلب در ساختار قدرت و سپرده شدن "حاکمیت کردستان" به آنها، از بالای سر مردم، نیست. بند و بست و مذاکرات و معاملات احزاب بر سر کردستان فاقد هرنوع مشروعیت است. **انترناسیونال:** برخی سازمانهای چپ گفتند که حزب ما در مخاطراتی که در مقاله "سناریوی سیاه و سفید" بیان شده اغراق کرده است. فکر نمیکنید به این بیانیه هم چنین برخوردی بشود؟ **منصور حکمت:** بین خودمان باشد، من ضمن بیشترین احترام به تک تک اعضا و فعالین و رهبران خانواده چپ ضد سلطنتی و سنتی ایران بعنوان انسانهایی که بالاخره با هر زبانی خیر مردم زحمتکش را میخواهند، باید بگویم بعنوان احزاب و سازمانهای سیاسی نه اینها را سوسیالیست میدانم و نه باوری به قدرت تشخیص آنها و قابلیت آنها در ایفای نقش کارسازی در دنیای پس از جنگ سرد دارم. این يك طیف سپری شده و بی افق است. جوانان جبهه ملی و حزب توده اند که اکنون خود دیگر پیر شده اند. برخورد این طیف با این بیانیه فاکتور مهمی نیست. مهم تر شاید، برخورد بیانیه به آنهاست اما بیانیه اصولا خطاب به اینها نیست. خطاب به مردم و بویژه به طبقه کارگر است، که به معنی اجتماعی و سیاسی و تاریخی این کلمات و شعارها توجه کنند و به دام ملی گرایی و قوم پرستی نیفتند، که برای مقابله با آن آماده باشند. بر خلاف بحث سناریوی سیاه و سفید، ما اینجا تاکید کرده ایم که احتمال تحمیل شعار فدرالیسم به جامعه

امروز ایران بسیار ضعیف است. بنابراین بحث اغراق بر سر سیر اوضاع عینی نیست. بحث بر سر کثافت نهفته در خود شعارها و تبیین های ملی و از جمله شعار فدرالیسم است. در این اساسا نمیشود اغراق کرد و هرچه گفته شود هنوز کم است. **انترناسیونال:** آیا میشود گفت این شعار خصلت نمای احزاب و جریانات مطرح کننده آن است و به این اعتبار باید درباره آنها قضاوت کرد؟ آیا با این بیانیه نحوه برخورد و رابطه حزب با جریاناتی که مدافع فدرالیسم هستند تغییر میکند؟ **منصور حکمت:** بنظر من در سطح نظری میشود احزاب را بر مبنای این شعار قضاوت کرد. همانطور که مذهبی بودن، شوینیست ملی بودن، سلطنت طلب بودن و یا مخالفت با برابری زن و مرد، در متن تاریخ سیاسی معاصر ایران برای ارتجاعی نامیده شدن يك جریان کافی است، اعتقاد به صدور شناسنامه قومی برای مردم و تشکیل دولت مبتنی بر ملیت و قومیت نیز برای ارتجاعی خوانده شدن يك جریان کافی است. اگر سوالی هست اینست که آیا عمق کثافت شعار فدرالیسم و معانی ضد اجتماعی و ضد انسانی و ضد کارگری آن در سطح وسیع شناخته شده هست یا خیر. شاید هنوز خیر. این ایجاب میکند که بدوا برای يك دوره تلاش کنیم این فرمول از برنامه و تبلیغات احزاب اپوزیسیون حذف شود. البته واضح است که از هم اکنون هر جریانی را که آگاهانه و مصرانه از فدرالیسم و سازمان قومی جامعه دفاع کند باید يك جریان ارتجاعی به حساب آورد.

**انترناسیونال:** این بیانیه چه فعالیتهایی را در برابر فعالین حزب میگذارد؟ فعالین حزب در برابر جریاناتی که شعار فدرالیسم را مطرح میکنند چه باید بکنند؟ **منصور حکمت:** واضح است که نمیشود و لازم هم نیست که اینجا لیستی از اقدامات بدهیم. اصل قضیه این است که ما محتوای واقعی این شعار را، با تمام وجود و با پشتکار برای مردم روشن کنیم. احزابی که این شعار را طرح میکنند باید فشار نقد ما را هرجا هستند و هرجا میروند روی خودشان حس کنند. باید تفکر و سیاست قومی و ملی را بی آبرو کرد، همانطور که تفکر و سیاست مذهبی امروزه بی آبرو و منقور است. باید اگر نه کل مردم زحمتکش، لااقل بخش های پرتحرک و فعال طبقه کارگر در ایران آنچنان آگاهانه از ارتجاع ملی و قوم پرستی، که شعار فدرالیسم صرفا يك بسته بندی لوکس تر آن است، بیزار و متنفر و نسبت به آن حساس باشند که هیچ نیرویی نتواند فردا جلوی پیشروی کارگر و کمونیسم کارگری را با علم کردن کشمکش ها و فجایع قومی سد کند و مردم را به روزی بیاندازد که در یوگسلاوی دیدیم. تبلیغات و آکسیونهای ما باید ظهور توجمان ها و ایزت بگوچ ها و کارادیچ ها و ملادیچ ها و میلوسویچ ها و ژیرینفسکی های وطنی را غیر ممکن کند. در يك جمله، هم باید حضور ذهن مردم را بالا برد و هم به قوم پرستان و اسپانسورهای فرادیشان فهماند که با يك نیروی کمونیستی کارگری سازش ناپذیر و بدون توهم رویو هستند.

\*\*\*



کمیته کامیاران حزب  
کمونیست کارگری -  
حکمتیست  
۲۵ مارس ۲۰۰۵  
ابراهیم باتمانی  
جمال کمانگر  
رستم گودرزی

محبوب کامیاران بود که بیش از هر کسی مورد اذیت و آزار مزدوران رژیم قرار گرفت و فشار های بی شماری را تحمل نمود. شرکت وسیع ده ها هزار نفری مردم در مراسم خاکسپاری این عزیز، نشانه قدر و منزلت او در میان مردم منطقه میباشد. کمیته کامیاران ضمن قدردانی از شرکت وسیع مردم در مراسم خاکسپاری صالح عزیز به باز ماندگان وی بخصوص مادرش کبری و خواهرش طویی و بچه هایش تسلیت گفته و خود را در غم و اندوه آنها شریک میدانند.

**تسلیت به خانواده صالح کمانگر !**  
اطلاعیه کمیته کامیاران حزب کمونیست کارگری ایران -  
حکمتیست

با کمال تأسف خیرمرگ صالح کمانگر چهره محبوب و عزیز مردم کامیاران در حادثه تصادف تراکتور را شنیدیم، این خبر ما را متاثر و غمگین نمود. صالح کمانگر یکی از شخصیت های

SW49m 5910 Khz

www.radiopartaw.com

Tel: 0046707399868

**رادیو پرتو روی طول موج کوتاه!**

هر شب از ساعت ۸ به وقت تهران بمدت نیم ساعت

طول موج و ساعات پخش رادیو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**



## حمایت و پشتیبانی دانشجویان در بغداد از دانشجویان در اربیل و سلیمانیه

طبق اخباری که ما داریم، رفقای ما در دانشگاه های اربیل و سلیمانیه مدت دو هفته است که علیه تجاری و خصوصی کردن دانشگاهها دست به اعتراض و تظاهرات زده اند، که با حمله مسلحانه دستگاه امنیتی آسایش در سلیمانیه مواجه شده است -

ما (کمیته کاری - شاخه بغداد) اعلام میکنیم، برای ایجاد اتحاد و پیوستن به دانشجویان اربیل و سلیمانیه و بصره میکوشیم و از حقوق آنها دفاع میکنیم و اعمال ضد انسانی انجام شده توسط آسایش را شدت محکوم میکنیم! برای ایجاد یک جنبش هماهنگی، تمام مراکز تحصیلی و دانشگاهها را برای اتحاد با دانشجویان اربیل، بصره و سلیمانیه، فرا میخوانیم و حول خواستهای زیر

متحد شویم!  
۱. مجرمین رویداد بصره در یک دادگاه علنی با شرکت نمایندگان دانشجویان محاکمه شوند،  
۲. خارج شدن نیروهای مسلح در محیطهای دانشگاه،  
۳. جدایی دین از دولت،  
۴. برابری زنان و مردان،  
۵. ممانعت از خصوصی و تجاری کردن دانشگاهها، و دانشگاه "خصوصی آینده" بسته شود،  
از مردم آزادیخواه میخواهیم از جنبش ما برای احقاق مطالباتمان حمایت کنند!

### کمیته کاری دانشجویان

شاخه بغداد

۱۸ مارس ۲۰۰۵

را به حمایت از دانشجویان و مردم عراق علیه اشغالگری آمریکا و توحش اسلاميون فراخوانده است.

در حمایت و همبستگی با مبارزه دانشجویان بصره، حزب کمونیست کارگری عراق در بریتانیا، سازمان آزادی زن عراق و اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا نیز کمپینی را در همبستگی با خواستهای دانشجویان برپا کرده اند. این کمپین خواهان جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش در عراق، محاکمه مسببین حمله به دانشجویان، مسئول دانستن نیروهای اشغالگر و پلیس عراق در چشم پوشیدن بر جنایات اسلاميون، و آزادی بیان و تشکل در عراق شده اند. این کمپین کلیه آزادیخواهان را به حمایت از دانشجویان و مردم عراق فرا خوانده است. از مبارزه دانشجویان بصره علیه توحش اسلاميون حمایت کنید

کمپین حزب کمونیست کارگری عراق و فدراسیون اتحادیه ها و شوراهای کارگری عراق

## از مبارزه دانشجویان بصره علیه توحش اسلاميون حمایت کنید



حمله کرده و لباسهای آنها را پاره کردند. یکی از دانشجویان که تلاش کرد از دختر دانشجویی گیر افتاده در چنگ اسلاميون دفاع کند با شلیک گلوله آنها از پای درآمد. بدنبال این واقعه، دانشجویان خشمگین بصره در دانشگاه دست به اعتصاب زدند و هزاران نفر از مردم و دانش آموزان به اعتراض حق طلبانه آنان پیوستند. نمایندگان "فدراسیون اتحادیه ها و شوراهای کارگری عراق" در خارج، ضمن تاکید بر خصلت آزادیخواهانه و سکولاریستی مبارزه دانشجویان بصره، خواهان محاکمه اسلاميون مسبب این جنایت شده و کلیه فعالین کارگری و آزادیخواهان جهان

کمپین حزب کمونیست کارگری عراق و فدراسیون اتحادیه ها و شوراهای کارگری عراق طبق اطلاعیه مورخ ۱۵ مارس نمایندگی خارج کشور "فدراسیون اتحادیه ها و شوراهای کارگری عراق"، دانشجویان دانشگاه بصره همراه با صدها دانش آموز و گروههای وسیعی از مردم آزادیخواه این شهر علیه توحش اسلاميون وابسته به جمهوری اسلامی ایران و باند مقتدا ال صدر تا امروز در اعتصاب و تظاهرات بسر می برند. طبق این اطلاعیه، گروهی از اسلاميون وابسته به جمهوری اسلامی و باند مقتدا ال صدر روز ۱۵ مارس به پیک نیک دانشجویان مهندسی دانشگاه بصره حمله کرده و پس از ضرب و شتم دانشجویان تخریب وسائل آنها به دانشجویان دختر بخصوص دانشجویان مسیحی

## اعلام حمایت سازمان رهایی زن از کنگره آزادی عراق!

تحقق این منشور، با احیاء مدنیت و التزام به حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی کل مردم ممکن است.

ما دست ینار محمد، هوزان محمود... یارانمان از سازمان آزادی زن عراق که از جمله موسسین کنگره آزادی عراق هستند را به گرمی میفشاریم. به آنها و همه کسانی که موجبات بر افراشتن این پرچم را در دل مصائب جامعه عراق فراهم کردند درود میفرستیم و حمایت و پشتیبانی قاطع خودمان را از منشور کنگره آزادی عراق اعلام، اساسنامه آن را تایید و از کنگره آزادی عراق تقاضای عضویت در این جنبش همگانی را میکنیم.

ما به سهم خودمان تلاش میکنیم که در داخل و خارج کشور، پشتیبانی و حمایت فعالین حقوق زن را به این آلترناتیو آزادیخواهانه جلب کنیم. ما

اعلام موجودیت منشور و کنگره آزادی عراق در بغداد یکی از مهمترین و شوق آفرین ترین خبرهای سال جدید بود!

در میان آتش و دود، ترور و فضای سیاهی که بر جامعه عراق حاکم و تحمیل کرده اند، در میان تبلیغات اپوزیسیون ایران که عراق را برای مستاصل کردن و از صحنه بدر کردن مردم ایران از مبارزه برای تغییر اوضاع نشان میدهند، نفس بلند کردن پرچمی که پرچم آزادی عراق، پرچم جهان متمدن، قطب سوم بشریت آزادیخواه و برابری طلب عملی بسیار جسورانه، رادیکال و امیدوار کننده بود.

آزادی عراق تنها و فقط با تحقق این منشور، مقابله با هر دو قطب تروریسم و عاملین تحمیل جنگ و سناریوی سیاه به جامعه عراق ممکن است. آزادی زن در جامعه عراق هم تنها و فقط با

تلاش میکنیم تا در خارج کشور سازمانها و احزاب مدافع حق زن را به حمایت از این کنگره جلب و موجبات نفوذ گسترده تر سیاسی و اجتماعی آن را فراهم کنیم. از نظر ما سرنوشت جنبش آزادی و برابری در عراق تاثیر بلاواسطه و مستقیمی بر سرنوشت جنبش ما در ایران و کل موقعیت سکولاریسم و برابری طلبی در منطقه و در سطح جهان دارد. ما تمام قوای خود را برای به پیروزی رساندن اهداف کنگره آزادی عراق دوش به دوش سایر نیروها و شخصیتهای عضو، موسس و حامی این جنبش بکار میگیریم.

کانون مرکزی رهایی زن، مسئولین و دست اندرکاران این سازمان متفقا و به اتفاق آراء اعلام کنگره آزادی عراق را یک گام مهم و ارزشمند در راه تقویت جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در منطقه و در جهان و بویژه در خود عراق ارزیابی میکنند. با افتخار و غرور حمایت بی دریغ خود را

از این جنبش اعلام میکند!  
زنده باد کنگره آزادی عراق!  
زنده باد آزادی و برابری!

## حکمت

نشریه ای  
تئوریک سیاسی  
از حزب  
کمونیست  
کارگری  
حکمتیست

به سردبیری  
کوروش مدرسی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دبیر: حسین مرادبیگی (جهه سور)

h\_moradbiegi@yahoo.com  
Tel: 00447960233959

اکتبر

چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر  
را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان  
و آشنایان خود برسانید!

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

sharifi\_abdollah@yahoo.com Tel: 00467369752 26

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!